

موضوع: مرام اخلاقی و تعهد حرفه‌ای

نمونه شماره تعهد حرفه‌ای و مرام اخلاقی خودتان چند است؟ پریش نام و نجش نهاد حرفه‌ای می‌تواند در حد تعهد حرفه‌ای شما را مشخص کند. در زیر، چند نمونه پریش‌های پرشنامه آمده است:

- وقتی اضافه کاری شما را به نوعی قطع کنند؛ شما از کارتان متنفر شوید، بی‌عفت می‌شوید، ناهنجاری‌ها را انجام می‌دهید اما از کارهای مهم می‌ترسید.
 - از اینکه شوقی نسوم؛ حالم گرفته می‌شود، به نواقص ناهنجاری‌ها می‌ترسم، انگیزه‌ام کم می‌شود.
 - اگر یک بحث علمی در جمع دوستان مطرح شود چقدر دانش دارید؟ بی‌براهم، بی‌عفت، گاهی بی‌توجهی می‌کنم، مشتاقم.
- حرفه‌ای از گزیننده نمونه‌ای دارد که میزان تعهد حرفه‌ای شما را مشخص می‌کند. ۱۵ پرسش مطرح شده که اگر متناسب با واقعیت‌ها که پرشنامه دارد به خودتان نمونه دهید میزان حرفه‌ای بودن یا مرام اخلاقی به دست می‌آید.
- خودانگاری: تصویر کلی، مبهم و شاید دور از واقعیت که ما از خود داریم.

خودشناسی: برای نطق شدن با واقعیت نیاز دارد که از خودانگاری عبور کند. (عبور از خودانگاری = خودشناسی) از خودشناسی ۱ معابر داشت می‌کنیم = ۱ فقط نتیجه یا خروجی‌هایی را برداشت می‌کنند.

۲ خودشناسی به عنوان یک فرایند در نظر گرفته می‌شود. خودشناسی شناخت نیست بلکه غفلت روان است. بازنگه داشتن چشم بر چیزی است که در ما وجود جریان دارد. خودشناسی مشاهده است، مشاهده‌ای بی‌مداخله، مشاهده‌ای از سر روی دانشی.

• معنا کردن در هر چیزی مشاهده در جهت شفاف‌تر و غنی‌تر کردن آن است (دکتر نیما زینب کتاب من به روایت من) بنابراین خودانگاری را اگر به عنوان یک تصویر کلی و مبهم از خود بدانیم، همه تلاش‌هایی را که ما به کار می‌گیریم تا از این تصویر کلی و مبهم از خودمان عبور کنیم و به یک تصویر واضح و شفاف‌تر و مطابق با واقع برسیم، این فرایند را «خودشناسی» می‌نامیم.

روش‌های عبور از خودانگاری به خودشناسی متفاوت و زیاد است. در اینجا ۲ روش معرفی می‌شود:

۱ آیا تصویری که من از تعهد حرفه‌ای خودم دارم، چقدر با واقعیت مطابق است؟ (از چه کسی می‌پرسم؟)

۲ مراجعه به یک فرد خردمند. می‌توانم انکاره یا تصویر از خودم را به یک انسان عاقل که می‌تواند نقش مرجع را بازی کند ارائه دهم.

از او می‌پرسم که چگونه تقویر من از خودم با واقعیت مطابقت است. مثال: آنفکرم به لحاظ تاریخی در آثارشان این روش خیلی برجسته تر مطرح شده است؛ جالینوس، محمد بن زکریای رازی

① از خودم می‌پرسم: در کتاب من به روایت من «از دکتر قربانی در این مورد توضیح داده شده است. همچنین خودم از خودم در یک گفتی ترازو و در گفتی دیگر ترازو، رفتار، احکامات، تصمیمات به شرح می‌ری که از این قبیل موارد می‌گیرد. مثال: اگر به این مرام اخلاق (تقدیرپذیری) توجه هستی پس باید از انعقاد ناراحت شوی (یا) این در عین که شما داری با فلال تصمیم شما سازگاری ندارد. در پرسشنامه‌ای که گفته شد از رفتار، احکامات و تصمیمات ما پرسش شده و اگر آنچه خودمان می‌خواهیم روشی هست برای تشخیص خودمان.

* منظور ما از مرام اخلاقی چیست؟ مسئولیت پذیری - پایبندی بیک سری اصول - داشتن یک سری خطوط قرمز



جناب محمد علی مجتهد ریس دبیر ستاد البرز دقت خاطر اش را من خونم کسی هست که توقعها را بسیار خوبی در پزشکی داشت و من توقع حرف پزشکی را دنبال کند. خیلی راحت به خاطر عشق به معلم، دست از حرف و موقفت پزشکی خودش کشید و معلم شد. مسئله عشق و دوستی یک فرد با حرفه خودش از لحاظ روانشناسی فزونی از شغلی مطلق شده است. از نظر مزوید، کار کردن و عشق در زمین به کار، نشانه سلامت تلقی شده. این می‌رساند که یکی از ویژگی‌های بسیار مثبت آدمی در حوزه کاری خودش عشق و علاقه به حرفه است. زیرا می‌رساند که ما واحد مرام اخلاقی هستیم.

نشانه‌های تعهد حرفه‌ای

۱- تلاش و جنگلی با پذیرایی: انسان حرفه‌ای، انسان پر تلاشی است. در پرستارانه یک سوال این بود که وقتی یک روز تعطیل باشی سره گذارید و روز کاری فراموش کردید چه احساسی دارید؟

۲- یادگیرنده بودن: ما از دانش آموزان چه انتظاری داریم؟ آموزش پذیر باشد یا فقط از ما تبعیت کند؟
انتظاری که دانش آموز مجموعه آموزشی در والدین از ما دارند «رساندن دانش آموز به استقلال» است که این امر مستلزم یادگیرنده بودن و آموزش پذیر بودن است. آیا ما خودمان به عنوان معلم، یادگیرنده هستیم؟

بنابراین یک سئو استقلال دانش آموز است که با یاد دادن اشک دانش آموز یاد می‌گیرد شود ممکن است و سئو دیگر معلم یاد می‌گیرد است؟ گویا با مرتب به روز کردن دانش‌ها و مهارت‌های خود راه عنوان یک معلم رسالت می‌کنم؟ اگر معلم در سر کلاس دند خوزه تقدیر به لودهای رفتار کند که دانش آموز متوجه شود معلم هیچ تغییری نمی‌کند و هیچ نکته جدیدی را یاد نمی‌گیرد و با توجه به آموزه‌های مختلفی که می‌تواند وجود داشته باشد هیچ تغییری در او اتفاق نمی‌افتد مگر معلم نتواند به دانش آموز خودش مثال دهد که او یاد گرفته است. گناه دانش آموز به لود نگاه یک انسان حرفه‌ای نخواهد بود.

۳. خود انگیزگی: انگیزه می‌تواند درونی یا بیرونی باشد. هر سازمان می‌تواند برای کارکنان خودش، مشوق‌های بیرونی (حقوق، اضافه کار و...) فراهم کند و از این طریق، انگیزه‌های در او ایجاد کند. اما انگیزه‌های یک انسان حرفه‌ای انگیزه‌های بیرونی نیست. یعنی قرار نیست عشق و علاقه ما به حرفه‌مان متوقف به انگیزه‌های بیرونی باشد. جلدای ما که باید از افراد مختلف شنیدیم خطاب به حکما و مدیران خود می‌گویند: «کارهایی می‌کنند که انگیزه را از ما می‌گیرند». قرار است که انگیزه‌های من به عنوان یک معلم حرفه‌ای وابسته به کار دیگر باشد (چند مورد چه حکما)، پس خود انگیزگی یعنی: «ما در عشق و علاقه به حرفه خود وابسته به انگیزه‌های بیرونی خودمان باشیم»

و این راه دانش آموزان هم مستقل کنیم که علاقه دانش آموز به درس، درونی باشد نه به خاطر متوجه معلم، سارا یا نمره... ۴. تقدیرگری: گندی ما به عنوان یک انسان حرفه‌ای تقدیر می‌باشیم می‌تواند، سائو حرفه‌ای بودن ما باشد.

تقدیرگری به ۱ عامل بستگی دارد... انگاره (تصور) ما از تقدیر چیست؟

- تقدیر مثل زخم یا دهنده‌ای که بر جسم و روح ما وارد می‌شود ← از تقدیر استقبال نمی‌کنند و تقدیر را پس می‌زنند.

- تقدیر را یک هدیه تلقی می‌کنند ← از تقدیر استقبال می‌کنند.

در آموزه‌های دینی، فراوان داریم که تقدیر را به منزله یک هدیه پذیریم. (حتی همانطور که انتظار داریم یک معلم حرفه‌ای تقدیر باشد باید بتواند تقدیر را در دانش خودش هم درونی کند).

۵. خود اعتمادی: معادل و مناسبه نفس، در تعلیمات دینی است. کسی که عشق به حرفه خودش دارد نمی‌تواند از

ماسبه خودش غافل باشد و نسبت به تعالی و یاز بسنی در سگدن به حرفه خودش بی‌عیال باشد. مناسبه نفس در آموزه‌های دینی تاکید شده «حاسبوا قبل ان تحاسبوا»: قبل از آنکه دستان شما را محاسبه کنند، شما خودتان را در محاسبه قرار دهید.»

۶- تلاش برای شکوفایی دیگران در حرفه: اینکه اگر فرد نوجوان دکلم سن و سال که تازه دارد حرفه تعلیم شده ولی بی‌نیغم او در مقامی با ما توفیقهای بیشتری دارد، ما چه واکنشی به موفقیت‌های او نشان می‌دهیم؟ آیا ما استقبال می‌کنیم؟ او را تشویق می‌کنیم؟ تحقیرش می‌کنیم؟ یا اینکه بی‌خیال می‌شویم به تفاوت‌های شوم طردش می‌کنیم زیرا آفتابش زمین؟ واکنش ما می‌تواند نشانه‌ای باشد بر اینکه ما حرفه‌ای هستیم یا نه.

۷- تشویق دیگران: مفهوم مقابل تشویق دیگران، بخل است. ولی در تشویق دیدیم به غرض خودمان یک نکته را دست‌کم می‌کنیم که تشویق ممکنه سراز چالپوسی در باره همانطور که ممکنه ما هم سراز بخل در باره.

«او بجایی که طرف نماندگی دارد تشویق شود، اما ما از تشویق خودداری می‌کنیم دچار «بخل» شدیم.

«در بعضی مقابل اگر طرف نماندگی ندارد تشویق شود اما ما او را تشویق نمی‌کنیم دچار «چالپوسی» شدیم.

نه بخل اخلاقی است نه چالپوسی. نکته اساسی حرفه‌ای اینست که تشویق او دقیقاً انطباق داشته باشد با نیازهای اساسی فرد مقابل

۸- کار گروهی: انسان حرفه‌ای اشیای دانه به کار گروهی. چرا ما به کار گروهی خلی علاقه نشان نمی‌دهیم؟

می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد که به چند مورد اشاره می‌کنیم. کتاب «۵ دشمن کار تیمی» چند عامل به عنوان موانع کار گروهی معرفی کرده است. ۱ عدم تعهد: کسی که تعهد به کاری نداشته باشد از کار گروهی فراری کند.

۲ مسئولیت‌گریزی: لازمه و اقتضای مسئولیت‌پذیری، تن دادن به کار گروهی است.

۳ دیدگاه‌های نادر: اضافه می‌کنیم به کتاب «۳ آدها» که دچار خودشیفتگی ذهن گونه هستند نیز از کار گروهی فراری کنند چون هیچ عیب و نقی در کار خود نمی‌بینند.

۹- نظم: کسی که عاشق حرفه خودش باشد قطعاً اثر بخشی برایش خلی همه اثر بخشی در گروهی نظم عهت و ما نظم را حاصل مدیریت روزانه می‌دانیم. مدیریت روزانه در واقع، ترکیبی از مدیریت بر حوزه مدیریت زمان است.

منظور از مدیریت بر حوزه می‌تواند موارد متعددی باشد مثل پوشش ظاهری، اگر استند ظاهری، اعتدال در رفتار

منظور از مدیریت زمان «برنامه‌ریزی» است و پایبندی و وفا کردن به برنامه که یک معلم حرفه‌ای برای کلاس خودش،

برنامه طرز و پایبندی به احوال برنامه عهت. ما نظم را نه تنها در ادعا و گفتار معلم بلکه در رفتار و عمل معلم جست‌وجو می‌کنیم.

نظم بسیار می‌تواند برای دانش آموزان، درس آموز باشد. دانش آموزان، رفتار نظم معلم خودشان نظم را یاد می‌گیرند. این نوع آموزش که ما از رفتار معلم، چیز یاد می‌گیریم سرگلاس در واقع آمده به چون مواردی است که با هر معلم به فکر تغییر طرز آموزش خودش باشد.

۱۰- با نسل به حرفه ما انتظار عمل از فرزندان ایند که به حرفه خودش اعتماد کند. لقمه نیند معلم سرگلاس درس می‌کند اما مرتب از حرفه معلم به نیند. این چنین بر فرزند با حرفه پیش روی دانش آموز متواضع آثار ناگواری برای دانش آموزان داشته باشد. مثلا کسی استعدادهای دارد اما با چنین برخوردی احتمال اینکه منفرد شود بسیار زیاد است. بالاتر از این اگر دانش آموزی عاشق معلمی باشد در بنده معلم از حرفه خودش بدی در این دانش آموز از حرفه معلم بدی نمی‌آید بلکه از این شخص (معلم خودش) بزرگتر می‌شود. این که پیاده‌های ناگواری از رفتار غیر حرفه‌ای معلم سرگلاس است.

ما دست کم ۲ جنبه را اخصاص داریم به حرفه‌ای بودن و حرفه‌گرایی، به عنوان آخرین نکته: بین اخلاق و حرفه‌گرایی، چه رابطه‌ای برقرار می‌کنیم؟ آیا رابطه این که یک سو سوید است یا دو سوید؟ اگر یک سوید است به کدام جهت می‌باشد؟

اخلاق ← حرفه‌گرایی: معنای این فلسفه ایند که کسی که اعلان عفت یا ادعای اخلاقی بودن دارد ولی حرفه خودش فرود موفق نیست، یعنی حرفه‌ای نیست و نمی‌تواند حرفه‌ای عمل کند. ما نمی‌توانیم آن فرود را به عنوان به حرفه‌ای پذیریم. آموزه‌های دینی ما هم بر این نکته تأکید دارند. حدیثی از امام صادق (ع) هست که به این مضمون که از دید یک امام معصوم کسی که کاری را خدای تعالی هم ردیف با کسی است که در کار حیانت کند. همچنین در مضمون حدیثی از رسول اکرم «اگر کسی بیستی را استعمال کند ولی کاربرد نباشد و شایستگی آن حرفه را نداشته باشد به معنای دیگر این فرد، حیانت کرده است». این احادیث و روایات رابطه اخلاق و حرفه‌ای بودن را به این سمت نشان می‌دهد.

اخلاق → حرفه‌گرایی: حال اگر کسی مدعی حرفه‌ای بودن اما اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کند یا می‌توان به عنوان به فرود حرفه‌ای او را پذیرفت. بخیر بنا بر این رابطه بین اخلاق و حرفه‌گرایی دو سوید است؟ در کتاب «Ethis & professionalis» به رابطه دو سوید اخلاق و حرفه‌گرایی اشاره است.

